



27 آگست 2018

داکتر سید عبدالله کاظم

مجموعه ارشادات و بیانات شاه امان الله غازی

حین لویه جرگه 1303

به مناسبت نود و نهمین سالگرد استقلال کشور

(قسمت یازدهم)

فیصله های تصاویب لویه جرگه

روزهای پایان لویه جرگه

اعلیحضرت (در پایان اجلاس رور پنجشنبه دوم اسد) **فرمودند:** «امروز وقت مجلس تمام شده و فردا هم جمعه است. پس فردا رئیس عمومی شورای دولت را امر میفرمائیم که خلاصه نظریه و اصلاحات شما علمای کرام و وکلای عظام را که از ابتداء الی الآن در نظامات دولتی و دیگر فقرات مهم نموده اید و یا خواهش آنرا مجدداً از حکومت کرده اید، تحریر داشته بروز یکشنبه بیاورد تا باز مکرراً همان فقرات به پیشگاه شما حضار محترم قرائت شود و تفصیلات لازمه نیز در آن مورد خاطر نشان تان شده، بعده عموماً همه تان بما تحت آن فقرات امضاء نمائید تا بصورت اعلان عمومی قبل از حرکت شما از کابل بمقامات خود طبع گردد.»

بعد از اتمام مباحثات در باره نظامنامه ها بروز پنجشنبه ۲ اسد، اعلیحضرت روز جمعه ۳ اسد را روز تعطیل لویه جرگه اعلام کردند و روز شنبه را نیز برای نوشتن مصوبات لویه جرگه و جمع بندیها که بوسیله اعضای اداری لویه جرگه و به کمک بعضی از وکلاء ترتیب کردند، اختصاص دادند و روز یکشنبه (۵ اسد) بار دیگر جلسه دائر گردید.

اعلیحضرت در آغاز فرمودند: «درخاتمه مبحث پریروز از اظهارات تان چنان مفهوم گشت که مزید برین گفت و شنیدی در نظامات دولتی نداشته همه آنرا بصحت و صواب قرین دیده ریاست شورای دولت را اجازه داده بودید که خلاصه مذاکرات و اصلاحات و عرائض تان را تسوید نموده الیوم مکرراً بحضورتان بخواند تا بشنوید که بر طبق فرمائش و آراء تان تحریر شده یا نی. در نتیجه و بران خلاصه لویه جرگه و مابقی آراء و افکارتان علی الصباح مهر و امضاء نمائید. اینک رئیس صاحب عمومی شورای دولت برای تان همان اشیاء مطلوبه شما را میخواند و خودم در بعضی مقامات برای تان ایضاحات میدهم.»

شورای دولت فیصله های لویه جرگه را در 18 مورد تهیه نموده و هریک فقرات را خوانده و نظر اعلیحضرت را با تبصره ایشان خواستار گردید؛ هریک از فقرات شامل موارد ذیل بودند: 1- تعیین علمای منتخب لویه جرگه برای بررسی قبلی نظامنامه ها و مطابقت آن با مسائل شرعی؛ 2 - تألیف کتاب "فتاوی امانیه" بوسیله علمای جید دینی برطبق اساسات مذهب حنفی؛ 3 - نکاح صغیره؛ 4 - امور تجاریه؛ 6 - تذکره نفوس؛ 7 - عدم تحدید [محدود ساختن و مشخص کردن] جزا قبل از وقوع جرم؛ 8 - حبس جانی الی ظهور صلاح و آثار توبه؛ 9 - حکم قاضی به امارات [دلایل] قویه؛ 10 -

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

قتل سارق به تکرار سرقت؛ 11 - شمولیت قضات در محاکم مامورین؛ 12 - موضوع عوض و بدل عسکری و شرایط قبولی آن؛ 13 - لزوم تأسیس دارالعلوم اسلامیة و مکتب حفاظ؛ 14 - مسائل احتساب؛ 15 - ضرورت تعلیم نسوان در نشیمنهای [خانه های] شان؛ 16 - مجازات شخصیکه بر ازواج خود عدالت نکند؛ 17 - تعدیل و تشریح سه ماده نظامنامه اساسی؛ 18 - توصیه و تأکید لویه جرگه برای حکومت.

از جمله موضوعات فوق که در جریان مباحثات لویه جرگه مطرح گردیدند و اعلیحضرت قسماً به قناعت وکلاء پرداختند و قسماً نظر وکلا را با بعضی شرایط قبول نمودند، حین قرائت گزارش مختصر فوق نیز بعضی تبصره و توضیحات اکید بعمل آوردند که اینک نقاط نظر ایشان در چند مورد ذیلاً ارائه میگردد:

اعلیحضرت (در مورد نکاح صغیره که قبلاً بحث های دامنه دار در زمینه صورت گرفته بود) **تأکید فرمودند:** «نظر بدین مضار و تکالیف و بی اتفاقیهای که از نکاح صغیره در بین ملت محبوب افغانستان ام دیده شده است، خیر خواهانه این نصیحت پدران را برای تان میکنم تا او را بعموم ملت مبالغه دارید که حتی الامکان از نکاح صغیر تجنب [اجتناب] ورزند و هم از تقریر علمای اعلام یک باریکی دیگریرا نیز در شرع انور درک کردم که حق نکاح صغیر و صغیره تنها از حقوق آب [پدر] و جد [پدرکلان] است که هر کدام آنها منتهی درجه رأفت و شفقت را نسبت بخردان دارد.»

اعلیحضرت (در مورد تعیین جزا قبل از وقوع جرم) **فرمودند:** «تحدید جزاء قبل از وقوع نیز یکی از اقوال مصرحه و متفقہ همین علمای تمیز است که حال در مقابل شما حاضرند. البته خیال و فکر من عاجز هم بنابر مصالح با آنها چنین است:

(الف) - اکثریه از مجرمین را چون از مجازات و خیالات حکومت که نسبت بوقوع افعال شنیعه دارد، قبلاً اطلاع بدهند همانا که بدان اقدام نخواهد کرد.

(ب) - در صورتیکه اولی الامر به تحدید تعزیرات پرداخت، معلوم است که حکام و مامورین در آن دست بازی و رشوت خوری و لحاظ و خود غرضی نمیتوانستند.

(ج) - و هم سابق برین دیده و شنیده شده است که اکثری از قضات و حکام بواسطه همین مسئله که حکم آن ظاهراً تحدید نشده بود و آنها تعزیر مجرمین را مینمودند، تلفات از طرف مجرمین دیده اند و هدف اسهام جهال و ارباب غرض گردیده اند. در صورتیکه تحدید تعزیرات از طرف پادشاهی مقرر شود، معلوم است که این غلط فهمی و مغالطه نیز مرفوع و مدفوع میگردد و مجرمین بخوبی میدانند که قاضی و حاکم بجز از ادای وظیفه و تعمیل احکام مقرر از خود بالای آنها چیزیرا اجرا کرده نمیتوانند.

اکنون که شما تحدید جزا را قبل وقوع مستحسن نمی بینید و میخواهید که تعزیرات بعد از وقوع واقعه نظر بوقت و زمان و فعل و فاعل و دیگر اشیاء بایستی داده شود، لهذا چنان مستحسن دیده میشود که تحدید جزا بعد از وقوع بعمل آید و تقرر آنرا نه تنها قاضی [بنابر مضرات و اسبابی که بچندی از آن در فوق تلمیح شد] بلکه حاکم و هیئت مجلس مشوره متفقاً بنمایند. درینصورت معلوم است که هم در فیصله جات خود غرضی نمیشود و هم سد باب رشوت و لحاظ و دیگر اسباب میشود و هم قاضیها از تحدید و تخویف نجات می یابند. اگر این مفکوره ام را نیز لویه جرگه ضمیمه این نظریه شان بنمایند، بخیال من که از مفاد خالی نخواهد بود.»

اعلیحضرت (در مورد حبس جانی الی زمان ظهور صلاح و آثار توبه) **چنین فرمودند:** «حضار محترم ببینید که شرع شریف تا کدام اندازه برای اصلاح حال و مآل عالم انسانیت پیش بینی نموده است و کدام مرتبه درجات عالیة رحم و راحت و شفقت را نسبت بعباد صالحین و تا چه مقام تهدید و تادیب و گوشمالی را برای مجرمین و گمراهان مقرر داشته است. این نظریه شما را حاضریم که با چند قیود لازمه قبول و منظور نمایم. لکن ماقبل از آن باید شما را بدانانم که حکومت شما بنابر کدام لحاظ زمان حبس جانی را تحدید داشته است. بدیهی است که سارق و قمار باز و زانی و دیگر مجرمین هر وقت برای توبه کردن و سوگند خوردن حاضرند. نه تنها رجال حکومت بلکه ادنا ترین افراد ملت نیز به سوگند خوردن و حلف کردن جنایت کارانیکه در حقیقت به مخالفت اوامر و نواهی همان قرآن پاکیکه بدان سوگند میخورند، میپردازند اهمیت نمیدهند، لهذا حکومت بعد از وقت تمام سنجید که فلان رقم مجرم بعد از حبس شدن اینقدر ممکن است که اصلاح شود، ازین رو برای آنها مدتی معین شد.

اکنون که شما حبس جانی را الی زمان ظهور صلاح و آثار توبه خواهش دارید پس لطفاً علمای منتخبه تا آنرا تاکید کنید که برای ظهور صلاح و آثار توبه چنان قواعد و ضوابطی را مقرر دارند تا که حکومت حقیقتاً همچنان اشخاصی را که واقعاً به صلاحیت آمده و سیمای صالحین و نیکوکاران در وجود آنها ظاهر باشد، رها کند و الا اگر برنگ و روی و هیئت ظاهری باشد، همینکه شما دزدی را به زندان انداختید از یکطرف طعام را بالای خود بند میکند و از جانب دیگر شروع میکند به گذاشتن ریش و هم یک تسبیح بزرگ و مسواک کلان را با خود میگرداند و به اوراد و وظایف نیز مشاغلته میورزد. پس اگر ما بدین هیئت ظاهری آنها که بنظر کمتر از یک ولی کامل نمی آیند، فریب خورده آنها را بگذاریم، معلوم است که "گرگ" را خوب گرسنه نموده و "شیر" را در موقعیکه برای تناول گوشت اشتها دارد، رها کرده ایم و بجان رمه و دیگر مواشی مظلوم از دست خود قصاب اجل را فرستاده ایم.

عاقبت گرگ زاده گرگ شود ++++ گرچه با آدمی بزرگ شود

اعلیحضرت در ادامه فرمودند: «در صورتیکه اختیار وضع قیود و شروط و تحدید تعزیرات از حقوق پادشاه اسلام است، مطمئن باشید که اصول خوبی را برای امتیاز مجرم و غیر مجرم و شخص با دیانت و مرد صاحب خیانت مقرر خواهم داشت.»

اعلیحضرت (در مورد حق حکم قاضی به دلایل و قراین قوی، اقرار مُقر و شهود) **فرمودند:** «من ازین روایات و نظریة انصاف و اسلامیت تان اظهار سرور و تشکر دارم، زیرا ماقبل برین در مواقع وجود همه گونه دلائل و قرائن و امارات مستنده قاضی صاحبان در مسئله سارقین و مجرمین از مدعیان گواه میخواستند. چون مدعی مظلوم گواه آورده نمیتوانست، ازین استغاثه خود بجز از پریشانی و یک دشمنی سرباری شخص مدعی علیه، دیگر ثمری را نمی چید. چنانچه در ایام سابق یکی از میان شما گفته بود که نسبت دزد و مشاهد مانند اجتماع سایه و آفتاب است و علاوه برآن از مسموعات و تجربات و نظریات بعین رسیده است که باید با ارباب جرائم مساهله و نرمی کرده نشود. خودم در ابتداء شفقت و عدالت کردم بر ارباب جُنحه، زولانه یک لنگه حکم کردم اما بلاخر آن ظلام از حرکات بدهنچار خود مرا بدین سختم مجبور کردند که حکم نمودم که زولانه دو لنگه بهر دو پای شان انداخته شود.»

اعلیحضرت (در مورد شمول قضات در محاکم مامورین) **فرمودند:** «سابق برین ما از محاکم شرعی و قوه عدلیه، دست حکام و مامورین را کاملاً دور کرده و آنها را از هم علیحده و بکار های مفوضه خود

شان یکه و تنها گذارده بودیم تا احدی نتواند که در امورات عدلیه مداخله کند. حال شما چنین خواهش میکنید که باید قضات و مقتیها نیز در محاکم مامورین حصه بگیرند. خوب است من شما را ازین اظهار شما مانع نمیشوم، لکن آرزو میکنم که باید وکلاء منتخبه شما از چنان اشخاص با درایت و صاحب کفایت منتخب و معین شوند تا موجب تضییع اوقات و سرگردانی قاضی صاحبان و محاکم عدلیه ما نشده کارهای اهالی در زاویه تعویق نماند و همان وکیل منتخبه شما که عالم است، در محاکم مامورین حصه بگیرد و مدافعههای لازمه را بر طبق مفکوره تان بنماید. در صورتیکه روسا و اعضای محترم منتخبه محاکم مامورین اشخاص عالم و دانسته و فهمیده باشند، پس حاجت به لفظ قاضی و مفتی بودن چیست؟»

اعلیحضرت (در مورد تأسیس دارالعلوم اسلامیة و مکتب حفاظ) **فرمودند:** «من ازین تحریک عمده و دلالت بالخیر شما که از مدتی مرکز [جا گرفته در] نظر حکومت تان بود، کمال مسرت و امتنان خودم را بعرض رسانیده شما را مطلع و حالی میکنم که شما تصور نکنید که وزارت معارف افغانستان و یا این خادم تان تا هنوز در باره تأسیس دارالعلوم اسلامیة خیالی نداشت و فقط ازین یاد آوری شما در صدد ترتیب آن میبیراید. نی! بلکه از زمانیکه این عاجز و وزارت معارف تان در چگونگی این دارالعلوم و پروگرام و نصاب تعلیم و طرز اسباق و غیره لوازم آنست، اما تا حال نه بر کدام یک نصاب او جامع موفق شده ایم و نه یک اصول خوبی از آن بنظر ما رسیده است و نه سر معلم و معلمی را طوریکه برای یک دارالعلوم اسلامیة در همچو یک مملکت مقدس افغانیه لازم باشد، سراغ نموده ایم. الله الحمد که ازین ورود محمود شما علمای اعلام و فضلالی کرام آنهمه مشکلاتی و موانعاتیکه سد تأسیس آن مدرسه عرفانیه بود، تقریباً مرتفع گشت و اینک بهمین نزدیکیها با اتفاق آراء علمای منتخبه تان وزارت معارف ما به تکمیل این تحریک سراپا تبریک و این معروضه مقدسه تان بتمامها میپردازد و اولاً با سعاف این مامول مسعود و انجاح این مسئول محمود تان که دارالعلوم و مکتب الحفظ است، با ایالت کابل آغاز میشود و متعاقباً بر همان اصول اگر خواست خداوندی باشد در ولایات و حکومتیهای اعلی افغانی نیز اجراءات بعمل می آید. گمان میکنم که برای تعلیم علوم عربیه و کتب اسلامیة طلبه مکاتب عمومیه بعد ازینکه نصاب رشديه را تمام کنند، داخل شوند بهتر خواهد بود و برای تحصیلات او شان تسهیلاتی بهم خواهد رسید.»

وکلاهی لویه جرگه از اعلیحضرت خواستند تا: قرار مسائل مسلمة و روایات مفتی بها فقه شریف بایستی تعلیم و تحصیل نسوان در خانه های خود شان و بواسطه اقارب محارم شان صورت گیرد و تعلیم جمعیت نسوان در مکتب ها نشود تا مسئله حجاب و ستر که یک فرض ضروریست، برای نسوان اسلامی خوبتر و بهتر حاصل شود.

اعلیحضرت در این مورد فرمودند: «اگر چه در موضوع تعلیم نسوان گفت و شنید ما و شما قبلاً به پایان رسیده و مفکوره تانرا درین مسئله قبول کرده ام، لکن باز هم میخواهم که توجه شما علمای اعلام و فضلالی کرام ملت عزیزم را بسوی این نکته مهمه بنمایم که درین مورد باید ما و شما از عقل و فکر و طرز عمل عموم عالم اسلام کار بگیریم و مزید برآن روا دار نشویم که طبقه انائیه ما در یک عالم جهالت و نادانی و فرومایگی زندگانی کنند. تعلیم طبقه انائیه از حد ضروریست و نباید ما و شما به مخالفت حدیث (طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمته) برائیم و نباید بگوئیم که ما افغانیم باید زنان ما از راه خدا و رسول و مبداء و معاد خود بیخبر بوده در یک عالم جهالت و نادانی باشند. بایستی ما برحال آن اطفال خود که تقریباً تا بعمر هشت سالگی در اطراف و جوانب مادر و خواهر

و خاله و عمه و دیگر اقارب اناتیه خود زندگانی مفیده اولیه خود شانرا بسر میبرند، ترحم کنیم و محض جهت تعلیم و تربیه آن اطفال درین مکتب نخستین که مکتب آغوش مادر گفته میشود، آنها را از مسایل ضروریه مطلع کرده اطفال خود را ازین فیض عموم محروم نداریم. بالای ما و شما لازم است که طبقه نسوان خود را عالم و دانسته و مطلع از فرائض و واجبات و سنن و مندوبات و دیگر ضروریات بنمائیم. تا اولاده ما و شما در همان صغارت که تعلیم آنرا پیغمبر ما (کالنفش فی الحجر) گفته است و اهل سلف همین تعلیم را میگویند: «با شیر اندرون شده با جان بدر شود»، از اخلاق و عادات و اطوار خوب مستفیض و با آداب و صفات خجسته، متحلی [آراسته] شوند. من گاهی طرفدار این امر نبوده و نمیباشم که صبیاتی که قریب به مرهقی [بلوغ] باشند، در مکتب آمده تعلیم گیرند بلکه مفکوره و نظریه من نظر به مفاد بزرگ و ملحوظات سترگی که به شمه از آن در فوق اشاره شده بود، چنانکه صبیات خورد سال با همه گونه مراعات ستر و پرده در مکتبی که کاملاً محفوظ و مستور است و معلومات آنها نیز نسوانند، آمده تعلیم گیرند. اکنونکه شما علماء میگویند که خروج صبیات نیز برای تعلیم مستحسن نیست، بالفعل ما درین مفکوره تان با شما محض مراعات شرع شریف متفقیم، اما گمان نمیکنم که دیگر علمای عالم اسلام و فضیلاى هند و سند، مصر، مکه معظمه، مدینه منوره، شام، بیت المقدس، بغداد، بصره، کوفه و ترکیه درین نظریه با شما متفق باشند، زیرا که در هر یکی ازین بلاد معظمه اسلامیة بتعداد غیر واحده مکاتب اناتیه موجود است.»

اعلیحضرت (زیر فشار علمای دینی) در ادامه موضوع فرمودند: «این مبحث چنانچه مذکور شد فیصله شده خودم بالفعل بر طبق مفکوره همین حضرات تعلیم صبیات را در خانهای شان امر و اراده میکنم. در میان شما غلط فهمی واقع شده، بحث نکنید. من میخواهم که درین ضمن این علمای محترم را بیک امر دیگر دعوت و تکلیف کنم و آن اینست که باید این حضرات معظم که دعوی خانه نشینی صبیات معصوم و طفل های خورد سال ما را میکنند و ما سمعاً و طاعتاً محض احترام احکام شرع شریف که برای ما درین موضوع از آن نام میبرند، او را قبول میکنیم. در قری و اطراف و قشلاقها بر نسوان نو جوان و دوشیزگان و دیگر زنان کوچی و افغانه کوه نشین و عموم سکنه افغانستان نیز بقوه تبلیغیه و عظ و نصایح لازمه ستر و حجاب را حتمی و لازمی قرار بدهند و تا لویه جرگه آینده در سرتاسر افغانستان آن ستر و حجابی را که شریعت پاک برای زنان مسلمانان مقرر داشته است، جاری و حکم فرما نمایند. اگر درین باب از حکومت اجازت و تسهیلات بخواهند، دریغ نمی شود. فاما اگر تا بموعده لویه جرگه آینده حجاب و ستر در بین عموم رائج نشد و یا احدی ازین زنان که هر روزه به صدها نفر آنها بی حجابانه بنظر میخورند، دیده شده، بار مسولیت آن به همراه ناغگی به گردن شما حضرات معظم است.»

علمای لویه جرگه متعهد شدند که حتی الوسع در ترویج ستر و حجاب در بین عموم طبقه اناتیه افغانیه به عظ و نصایح و تبلیغات مذهبی کامیابی حاصل خواهند کرد و تا موقع انعقاد لویه جرگه آینده در سرتاسر افغانستان زنی بی پرده انشاء الله تعالی بنظر نخواهد خورد. [!!]

در مورد مجازات شخصیکه بر ازواج خود عدالت نکند، چون به تصدیق مصدق و محصول عدالت حقیقی بوجود نمی آید، لذا ما علمای لویه جرگه چنان مناسب می انگاریم که محصول و مصدق دور شود و بر مردیکه بعدالت و مساوات در بین ازواج خود رفتار نکند، مجازات لازمه مقرر شود و هم بر شخصیکه ازواج عارضات خود را با استغاثه نمیگذارد و این مسئله بحکومت بنوع من الانواع ظاهره شود، تعزیر شدید مقرر دارند. همانا که مطلب اصلی همایونی که تالی احکام ربانی و شرع

محمدی (ص) است، باصول خوب و از طریق مرغوب بعمل می آید. **اعلیحضرت در این مورد** (بازهم زیر فشار همین علمای دینی) **فرمودند:** «خوب است! من این نظریه شما را هم پذیرفتم و نکاح ثانی و ثالث و رابع را الان کماکان مانع نمیشوم. ازین امر و اعطای اختیار باز پرس دوامیکه بحکومت اسلامیة در بابت غور رسی نسوان مظلومه شرعیت داده اید که دائماً مترقب احوال نسوان باشد، کمال امتنان و تشکر را ظاهره کنان مصدق و محصول را الغاء نمودم.»

لویه جرگه سه ماده ذیل "نظامنامه اساسی دولت" را چنین تعدیل کردند: تعدیل ماده (۲):- دین افغانستان دین مقدس اسلامی و مذهب رسمی و عمومی آن مذهب حنیفه حنفی است. دیگر ادیان اهل هنود، یهودیکه در افغانستان هستند، به تادیبه جزیه و علامات ممیزه تابع بوده بشرطیکه آسائش و آداب عمومی را اخلال نکنند، نیز تحت تامین گرفته میشوند. تعدیل ماده (۹):- کافه تبعه افغانستان در امور دینی و مذهبی و نظامات سیاستی دولت علیه خود پابند و مقید بوده آزادی حقوق شخصی خود را مالک هستند. تعدیل ماده (۲۴):- شکنجه و دیگر انواع زجر تماماً موقوف است و خارج احکام شریف و نظامات دولت که موافق احکام شرعی تنظیم یافته، برای هیچکس مجازات داده نمیشود.

اعلیحضرت فرمودند: «بسیار خوب شد! ازین تعدیل و توضیح رفع غلط فهمی و رفع رخنه اندازی اعداء [دشمنان] شد.»

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ